

گلشن

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

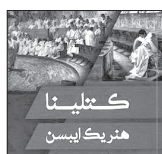
دوشنبه ۱۳ مهر ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هشتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ / تومان



بیمه کارگران معدن نباید قربانی بدهی کارفرمایان شود



دستگاه‌های متولی به سهامداران پتروشیمی تکلیف قانونی دارند



کاتیلینا: طنین کهن یک توطئه، پژواک ابدی یک انسان



کاتیلینا

هنریک ایبسن

مرکز مشاوره

انجام نقشه مغزی و نوروفیدبک و انواع تست های تشخیصی

کوثر قندهاری

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی

گرگان، خیابان ولیعصر (شالیکوبی)، عدالت ۱۳، ساختمان پزشکان قائم، طبقه چهارم، واحد ۱۵

شماره تماس: ۰۹۳۹۷۶۳۰۹۵۱

یادداشت اول

مهرگان و نشاط

■ احسان مکتبی

بندش کتاب آفرینش در بخش هفتم درباره برابری روز و شب آورده است: هنگامی که خورشید از نخستین خرده (برج) بره (فروردین/حمل) فراز رفت، روز و شب برابر بودند که هنگام بهار است، سپس چون به نخستین خرده (برج) خروچنگ رسید روزها بلندتر شدند که آغاز تابستان است. چون به نخستین خرده ترازو (میزان / مهر) رسید روز و شب برابر شدند که آغاز پاییز است. و نشان می دهد که ایرانیان از دیرباز متوجه برابری و اعتدال آغاز فروردین و آغاز پاییز بوده اند و بنابر فرهنگ ما ایرانیان روز اعتدال خزان و جشن مهرگان است، ایرانیان باستان برای هر روز نامی داشتند و بدین گونه هر ماه که نامش با آن روز برابر می شد جشن می گرفتند و بر این اساس هر ماه در انتظار جشن بودند و مهرگان که در روزهای آغازین پاییز برگزار می شود از پایدارترین این جشن ها بود. جشنی به مانند عید نوروز که چند روزی استمرار داشت. نکته بر اهمیت در این جشن ها توجه به ارزش و اهمیت آب، خاک و منابع طبیعی و در کنار آن سیاست‌گذاری از خداوند متان بخاطر اعطای این مواهب الهی بود. علاوه بر این شادابی و نشاطی که مردمان برای کمک به یکدیگر و کار و تلاش برای ساختن جامعه به آن نیاز داشتند نیز در این جشن های ماهانه حاصل می شد؛ امروزه اما جامعه افسرده و غمگین ما برای ساختن و تلاش بیشتر نیازمند ترویج روح شادابی و شادمانی است. باید در سیاست ورزی ها و تصمیم سازی ها به این اصل حیاتی توجه شود که ملتی می تواند از تنگناهای تاریخی سر بلند بدر آید که شادابی و نشاط در آن نهادینه شده باشد، باید غم و اندوه را به مدت زمان اندک و معدودی، محدود کرد و شادی و نشاط را گسترش داد، تاریخ، هیچ جامعه افسرده و غم زده ای را سراغ ندارد که به توسعه رسیده باشد، جامعه افسرده در برابر کوچکترین مشکلات در می ماند و توان حل مساله را از دست خواهد داد، بنابراین، یکی از مهمترین مسایلی که حکمرانی ما باید به آن توجه کند لزوم گسترش نشاط در جامعه افسرده کنونی است، نگاهی به آسیب های اجتماعی فراوان در جامعه امروز شاهد مثال ماست، بدون نشاط، شور زندگی فروکش خواهد کرد و بدون اشتیاق برای زندگی، خلأقی و تولید از منظومه ذهنی جامعه حذف می شود و در نهایت به انحطاط گرفتار خواهیم شد، این روزها البته سایه شوم جنگ و فشار سنگین اقتصادی نای زندگی را از شهروندان ستانده است، امید که دادار یگانه به همت کارگزاران خردمند در پناه تدبیر و تأمل ایران ما را به ساحل نجات برساند.



چرا دیگر حوصله هیچ چیز را نداریم؟

» ۸ «



چهار فیلم کودک و نوجوان مهمان پرده سینماها می شود

» ۷ «



بزرگداشت شاعر «ادبیات»

» ۵ «

چالش های مدیریتی

در گلستان



افزایش اشتغال، رونق تجارت یا بهبود دسترسی عمومی منجر شوند. در مقابل، پروژه‌ای که سال‌ها منابع محدود را مصرف می‌کند اما خروجی مشخصی ندارد، صرفاً به دلیل قرار داشتن در فهرست طرح‌های فعال، الزاما به معنای پیشرفت نیست. در هفته دولت ۱۴۰۵ اعلام شد که در مجموع ۲۱۶۹ پروژه عمرانی، اقتصادی، سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی در استان افتتاح یا عملیات اجرایی آنها آغاز می‌شود و ارزش مجموع این طرح‌ها ۵۲ هزار و ۴۴۹ میلیارد تومان است.

ادامه در صفحه ۲

با فرض ثابت ماندن اعتبارات و بدون در نظر گرفتن اثر تورم، تکمیل این پروژه‌ها بیش از ۱۰ سال زمان خواهد برد. در همین حال، در سال ۱۴۰۵ تاکنون ۱۸.۲ همت اعتبار برای ۴۸ پروژه از محل منابع مختلف ابلاغ شده است. این ارقام یک سوال مهم‌تر را پیش روی مدیریت استان قرار می‌دهد، وقتی منابع محدود است، کدام پروژه باید زودتر تکمیل شود؟ هنر اصلی مدیریت توسعه، تشخیص پروژه‌هایی است که تکمیل آنها بیشترین اثر را بر زندگی مردم و اقتصاد استان می‌گذارد؛ پروژه‌هایی که می‌توانند زودتر به آب پایدار، کاهش هزینه تولید،

زندگی مردم تبدیل نشده است؟ بخشی از پاسخ این پرسش اساسی را باید در کیفیت حکمرانی و نحوه انتخاب اولویت‌ها جست‌وجو کرد. پروژه‌ها زیادند، منابع محدود است؛ اما اولویت چیست؟ شاید وضعیت پروژه‌های نیمه‌تمام بهتر از هر عدد دیگری دشواری مدیریت توسعه در گلستان را نشان دهد. بر اساس اعلام معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار در پنجم مهر ۱۴۰۵، در استان ۷۷ پروژه عمرانی نیمه‌تمام وجود دارد که تاکنون حدود ۲۵ همت برای آنها هزینه شده و برای تکمیلشان به ۱۲۴ همت اعتبار دیگر نیاز است. حتی

فاطمه سراوانی- گلستان استانی است که میان ظرفیت و عملکردش فاصله‌ای محسوس وجود دارد؛ استانی با زمین‌های حاصلخیز، محصولات کشاورزی متنوع، جنگل، ساحل، خلیج، مرز زمینی، منطقه آزاد و موقعیتی ویژه در مسیرهای ترانزیتی، اما هم‌زمان گرفتار مجموعه‌ای از مسائل مزمن در آب، کشاورزی، زیرساخت، اشتغال، بهروری، درآمد و پروژه‌های نیمه‌تمام. از همین‌جا باید بررسی مسئله مدیریت در گلستان را آغاز کرد. پرسش اصلی این است که چرا بخشی از آنچه استان در اختیار دارد هنوز به ارزش افزوده، اشتغال پایدار و بهبود محسوس کیفیت

ادامه تیر اول

اما این عدد نیازمند دقت بیشتری است. از این تعداد، ۱۹۰۷ پروژه با اعتبار ۳۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان آماده افتتاح اعلام شدند و عملیات اجرایی ۲۶۲ پروژه با اعتبار ۱۸ هزار و ۹۴۹ میلیارد تومان آغاز شد. در بخش پروژه‌های عمرانی نیز ۱۹۸۲ طرح با اعتبار ۳۰ هزار و ۱۴۳ میلیارد تومان در برنامه قرار داشت که عملیات اجرایی ۲۴۱ پروژه با اعتبار ۷ هزار و ۱۳۱ میلیارد تومان آغاز می‌شد. بنابراین نباید ۲۱۶۹ پروژه را معادل ۲۱۶۹ پروژه تکمیل‌شده دانست؛ بخشی از این رقم مربوط به طرح‌هایی است که تازه وارد مرحله اجرا شده‌اند.

اینجاست که تفاوت میان مدیریت پروژه و مدیریت نتیجه روشن می‌شود. مردم تعداد پروژه‌های کلنگ‌خورده را زندگی نمی‌کنند؛ نتیجه آنها را زندگی می‌کنند. آنچه در زندگی روزمره اهمیت دارد، آب پایدار، راه مناسب، برق مطمئن، شغل، درآمد، حمل‌ونقل، خدمات عمومی و محیط‌زیست سالم است. پرسش اصلی بنابراین این است که این پروژه‌ها چه مقدار از مسائل اصلی استان را حل کرده‌اند. امیدوارم مدیران ارشد استان برای این پرسش مهم پاسخ مناسبی داشته باشند.

استان میان خشکسالی و سیلاب

آب شاید روشن‌ترین آزمون مدیریت در گلستان باشد؛ استانی که هم‌زمان با کاهش منابع آب و فشار بر منابع زیرزمینی، سابقه سیلاب‌های مخرب و بارش‌های شدید را نیز دارد. بنابراین آنچه به عنوان مسئله آب در گلستان مطرح است علاوه بر کمبود آب؛ حکمرانی بر آب است. در خرداد ۱۴۰۵، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان از بازمهندسی ۱۳۸ حلقه چاه و خرید آب پنج حلقه چاه از بخش خصوصی خبر داد و گفت بخشی از نیاز آبی استان از طریق خرید آب از چاه‌های بخش خصوصی تامین می‌شود.

این اقدام را می‌توان از دو زاویه دید؛ از یک سو نشان‌دهنده استفاده مدیریت استان از همه ظرفیت‌های موجود برای عبور از فشار آبی است و از سوی دیگر، نشانه‌ای از فشار فزاینده بر منابع آب و ضرورت اصلاح الگوی مصرف است. در کنار آن، پروژه‌های مهار سیلاب، سدها، شبکه‌های آبیاری و زهکشی و سایر طرح‌های زیرساختی آب همچنان در دستور کار قرار دارند. در حوزه منابع خارجی نیز حدود ۹۲.۲ میلیون یورو اعتبار بانک توسعه اسلامی برای مجموعه‌ای از طرح‌های آبی استان اختصاص یافته و پیشنهاد استفاده از حدود ۵۰ میلیون یورو دیگر برای طرح‌های مرتبط با آب شور مطرح شده است. بنابراین رقم ۵۰ میلیون یورو

را نباید اعتبار قطعی جذب‌شده تلقی کرد.

اما شاید مهم‌تر از این ارقام، مسئله بهره‌وری باشد.

مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای گلستان رانده‌مان مصرف آب در بخش کشاورزی را حدود ۳۱ درصد اعلام کرده و هم‌زمان بر ضرورت تکمیل زنجیره ارزش کشاورزی تاکید کرده است. این عدد یک پیام روشن دارد، گلستان نمی‌تواند مسئله آب را فقط با ساخت سازه‌های جدید حل کند. اگر بهره‌وری مصرف پایین بماند، توسعه زیرساخت بدون اصلاح الگوی مصرف، تنها بخشی از مسئله را جابه‌جا خواهد کرد. آب گلستان مدیریت یکپارچه می‌خواهد، مدیریتی که کشاورزی، آب شرب، صنعت، آبخیزداری، کنترل سیلاب، محیط‌زیست و توسعه شهری را جدا از یکدیگر نبیند.

کشاورزی؛ از تولید بیشتر به ارزش افزوده بیشتر

گلستان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی کشور است، اما تولید بالا الزاما به معنای درآمد بالا نیست.

در گلستان محصول بدون فراوری، بسته‌بندی، برند، صنایع تبدیلی و شبکه توزیع مناسب از استان خارج می‌شود، بنابراین بخش قابل توجهی از ارزش اقتصادی آن بیرون از گلستان ایجاد خواهد شد. بنابراین توسعه صنایع وابسته به کشاورزی و تکمیل زنجیره ارزش از تولید تا فراوری، بسته‌بندی و عرضه ضرورت دارد. حالا اگر سیاست توسعه اقتصادی استان همچنان بر افزایش تولید خام متمرکز بماند، بخش مهمی از ظرفیت واقعی گلستان همچنان در ابتدای زنجیره ارزش متوقف خواهد ماند. استان به شبکه‌ای از صنایع تبدیلی، سردخانه، لجستیک، بسته‌بندی، برندینگ، بازاریابی و صادرات نیاز دارد تا محصول کشاورز را از یک کالای خام به محصولی با ارزش افزوده بیشتر تبدیل کند.

بازار کار نیز باید با همین نگاه دیده شود.

نرخ بیکاری به‌تنهایی شاخص کاملی برای ارزیابی اقتصاد استان نیست. آنچه اهمیت دارد کیفیت اشتغال است؛ میزان اشتغال پایدار، بهره‌وری نیروی کار، درآمد حاصل از کار و سهم فعالیت‌های فصلی و کم‌ارزش افزوده. حتی کاهش نرخ بیکاری نیز به‌تنهایی به معنای افزایش رفاه خانوار نیست. اگر شغل، درآمد کافی ایجاد نکند، فصلی باشد یا در بخش‌هایی با بهره‌وری پایین متمرکز شود، مسئله اشتغال همچنان پابرجاست.

سیاست اقتصادی استان باید از ایجاد شغل به سمت خلق شغل مولد و پایدار حرکت کند.

منطقه آزاد اینچه‌برون؛ ظرفیت مهم اقتصادی استان

منطقه‌ای در مجاورت ترکمنستان که از طریق شبکه ریلی و جاده‌ای به مسیرهای بین‌المللی متصل است.

سازمان منطقه آزاد اینچه‌برون این منطقه را دارای ظرفیت تبدیل شدن به هاب لجستیک و دروازه تجارت با آسیای مرکزی و چین معرفی کرده و توسعه زون‌های

لجستیک، صنعتی، خدماتی و گردشگری را برای آن پیش‌بینی کرده است. اما عنوان منطقه آزاد به‌تنهایی توسعه ایجاد نمی‌کند. حتی در گزارش‌های رسمی منطقه نیز بر ضرورت ایجاد زیرساخت و رفع مشکلات زیرساختی تاکید شده است. در سال ۱۴۰۴ نیز دبیر شورای عالی مناطق آزاد بر ضرورت تبدیل اینچه‌برون به زون صنعتی و رفع مشکلات زیرساختی تاکید کرده بود.

بنابراین چالش مدیریت استان، پیوند دادن این منطقه با اقتصاد واقعی گلستان است. اگر اینچه‌برون بتواند محصولات کشاورزی و صنعتی استان را به بازارهای منطقه‌ای متصل کند، زنجیره لجستیک ایجاد کند و هزینه تجارت را کاهش دهد، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از موتورهای رشد استان را خواهد داشت. اما اگر به جزیره‌ای جدا از تولید و اقتصاد استان تبدیل شود، بخش مهمی از این ظرفیت بالفعل نخواهد شد.

گردشگری

گلستان از نظر تنوع طبیعی و جغرافیایی ظرفیت کم‌نظیری دارد؛ از جنگل و کوهستان تا ساحل، خلیج گرگان، تالاب‌ها و میراث تاریخی و فرهنگی. اما مگر داشتن جاذبه، اقتصاد گردشگری را رونق می‌دهد؟ گردشگری زمانی به درآمد و اشتغال تبدیل می‌شود که گردشگر بماند، هزینه کند و بخشی از این هزینه در جامعه محلی باقی بماند. از همین زاویه، طرح گردشگری آشوراده اهمیت پیدا می‌کند.

این طرح پس از سال‌ها کشف و قوس در شهریور ۱۴۰۵ وارد مرحله اجرایی شد. در زمان آغاز عملیات، سرمایه‌گذاری آن بیش از ۶ همت اعلام شد و استاندار گلستان گفت پروژه در دو فاز حدود سه‌همتی اجرا می‌شود. بنابراین رقم ۳ همت که پیش‌تر درباره آشوراده مطرح شده بود، مربوط به برآورد فاز نخست بوده است و برای روایت به‌روزر باید رقم بیش از ۶ همت را مبنا قرار داد. اما اهمیت آشوراده را نباید فقط با رقم سرمایه‌گذاری سنجید. معیار واقعی موفقیت این طرح، این است که بینیم چه تعداد شغل پایدار ایجاد می‌کند، ماندگاری گردشگر را چقدر افزایش می‌دهد، چه سهمی از درآمد نصیب جوامع محلی می‌شود و چگونه میان توسعه گردشگری و حفاظت از اکوسیستم منطقه تعادل برقرار خواهد شد.

مسئله پنهان گلستان؛ حکمرانی جزیره‌ای

اگر پروژه‌های نیمه‌تمام، آب، کشاورزی، منطقه آزاد و گردشگری را کنار هم بگذاریم، یک مسئله مشترک دیده می‌شود، بخش‌های مختلف توسعه استان هنوز به اندازه کافی در یک منظومه واحد دیده نمی‌شوند.

آب مسئله کشاورزی است؛ کشاورزی با صنایع تبدیلی و اشتغال پیوند دارد؛ صنعت به انرژی و حمل‌ونقل نیاز دارد؛ حمل‌ونقل به کریدورهای تجاری و منطقه آزاد متصل است و گردشگری نیز به راه، انرژی، محیط‌زیست، خدمات و سرمایه‌گذاری وابسته است.

اگر هر دستگاه فقط مسئله خودش را حل کند، ممکن است عملکرد آن دستگاه در گزارش سالانه قابل دفاع باشد، اما مجموع این عملکردها الزاما به توسعه منجر نمی‌شود. توسعه زمانی اتفاق می‌افتد که مسئله مشترک، هدف مشترک و مسئولیت مشترک شکل بگیرد.

و اما

وقتی برای تکمیل ۷۷ پروژه نیمه‌تمام به ۱۲۴ همت اعتبار دیگر نیاز است، در حالی که در سال ۱۴۰۵ تاکنون ۱۸.۲ همت برای ۴۸ پروژه ابلاغ شده، روشن است که اتکای صرف به بودجه عمومی نمی‌تواند پاسخ‌گوی همه نیازها باشد.

خود مدیریت عمرانی استان نیز بر استفاده از روش‌هایی مانند مولدسازی و مشارکت بخش خصوصی برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام تاکید کرده است.

در چنین شرایطی، سوال این است که

آیا این پروژه یک مسئله واقعی را حل می‌کند؟

چه مقدار اشتغال یا ارزش افزوده ایجاد می‌کند؟ آیا ادامه پروژه از توقف یا واگذاری آن اقتصادی‌تر است؟ و مهم‌تر از همه، اگر منابع محدود باشند، چرا این پروژه باید پیش از پروژه دیگری تکمیل شود؟

اینجاست که مدیریت توسعه باید وارد عمل شود. گلستان بخش مهمی از ظرفیت‌های لازم برای جهش اقتصادی را در اختیار دارد. مسئله اصلی، سازوکار تبدیل این ظرفیت‌ها به نتیجه است.

زمین و کشاورزی بدون زنجیره ارزش، درآمد پایدار ایجاد نمی‌کند.

منطقه آزاد بدون زیرساخت و اتصال به تولید، به‌تنهایی موتور توسعه نمی‌شود.

جاذبه گردشگری بدون اقامت، حمل‌ونقل و مدیریت مقصد، گردشگر را به درآمد تبدیل نمی‌کند.

پروژه عمرانی بدون اولویت‌بندی نیز ممکن است سال‌ها منابع مصرف کند، بی‌آنکه اثر تعیین‌کننده‌ای بر زندگی مردم داشته باشد.

و آب بدون مدیریت مصرف، حتی با ساخت زیرساخت‌های جدید نیز همچنان مسئله باقی خواهد ماند.

آزمون اصلی مدیریت گلستان

مهم‌ترین آزمون مدیریت گلستان، توانایی تبدیل منابع محدود به نتایج قابل اندازه‌گیری است.

مدیران استان باید زاویه نگاه را تغییر دهند؛ از پروژه‌سازی به مسئله‌گشایی، از جذب اعتبار به خلق ارزش، از توزیع منابع به اولویت‌بندی، از تولید خام به تکمیل زنجیره ارزش، از مدیریت بخشی به حکمرانی یکپارچه و از گزارش کردن فعالیت‌ها به سنجش نتایج. فاصله میان گلستان برخوردار از ظرفیت و گلستان برخوردار از رفاه، دقیقاً در همین نقطه شکل می‌گیرد. کیفیت مدیریت نیز در همین فاصله سنجیده می‌شود؛ فاصله‌ای که با مصوبه و گزارش پر نمی‌شود، بلکه فقط با نتیجه از میان می‌رود.

بیمه کارگران معدن نباید قربانی بدهی کارفرمایان شود



معاون پارلمانی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با تاکید بر ضرورت حفظ حقوق کارگران، گفت: قطع بیمه درمانی کارگران به دلیل بدهی کارفرما، قابل قبول نیست و باید برای وصول مطالبات سازمان‌های بیمه‌گر، راهکارهای جدید و موثرتری دنبال شود. به گزارش روابط عمومی، محمدعلی محسنی‌بنایی در نشست با اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در معدن تخت شهرستان مینودشت، ضمن قدردانی از تلاش نمایندگان مجلس و مدیران اجرایی استان، اظهار کرد: باید در سفرها و بازدیدهای میدانی، وعده‌هایی مطرح شود که امکان تحقق و پیگیری عملیاتی داشته باشد چرا که بسیاری از مسائل به یک موضوع خاص محدود نیست و به زنجیره‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی وابسته است. وی همچنین با اشاره به مطالبات مطرح‌شده درباره مسئولیت‌های اجتماعی معادن گفت: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها موضوع مهمی است، اما اولویت

نخست باید حفظ اشتغال، ایمنی و سلامت کارگران باشد. معاون پارلمانی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به ضرورت نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات برخی واحدهای تولیدی استان گلستان گفت: فرسودگی تجهیزات می‌تواند تولید و اشتغال را تهدید کند و باید با سرمایه‌گذاری مناسب، زمینه افزایش بهره‌وری، رونق تولید و حفظ فرصت‌های شغلی فراهم شود. وی همچنین با اشاره به ظرفیت‌های معدنی و صنعتی استان افزود: توسعه پایدار زمانی محقق می‌شود که در کنار توجه به تولید، حقوق نیروی انسانی، ایمنی محیط کار و معیشت کارگران نیز مورد توجه ویژه قرار گیرد. معاون پارلمانی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خاطرنشان کرد: هدف از حضور در مناطق مختلف، شنیدن مسائل از نزدیک و تبدیل مطالبات مردم و کارگران به تصمیمات اجرایی است و تلاش می‌کنیم موضوعات مطرح‌شده در این نشست را تا رسیدن به نتیجه پیگیری کنیم.



پیوند یاری

رحیم داوریان

من سربلندم دلزنده پرچوش
خون رگانم، سرچشمه ی نوش

همچون کتابم، صد برگ و صد رنگ
من میزدیم از جان تو زنگ

شعر و ترانه، گر می سرایم
با باد و باران من همنوایم

چندیست ای دوست قلبم شکسته
مرغ غزلخوان از لانه جسته

از نونهالان دیگر خبر نیست
ابر بهاران بر من گذر نیست

روزی سمن بود همسایه گل
سودای من داشت شوریده بلبل

زاغ است اکنون هم خانه ی من
خاس و تمشک است هم پایه ی من

تنها امیدم بنهفته در دل
پیوند یاریست ای دوست مگیل

جز عاشقان را یاور نگیرم
آزاده ام من، استاده میرم

خاس: نوعی گیاه بوته ای تیغ دار کف جنگل
تمشک: نوعی گیاه بوته ای کف جنگلهای مخروطی



شفافیت‌اند. دانشگاه علوم پزشکی به‌جای تحت‌الامر بی‌چون و چرا بودن سیاستمداران، باید یک نهاد علمی، تخصصی و خدمت‌رسان باشد. طبیعی است که چنین نهادی برای انجام مأموریت خود به استقلال حرفه‌ای، ثبات مدیریتی و تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد نیاز دارد. هر اندازه حاشیه‌های مدیریتی افزایش یابد، تمرکز سازمان از مأموریت اصلی دورتر خواهد شد. بنابراین، مسئولان ارشد استان و متولیان وزارت بهداشت باید به یک سؤال اساسی پاسخ دهند: آیا ساختار مدیریتی سلامت گلستان اکنون در نقطه‌ای قرار دارد که بتواند با تمام ظرفیت خود پاسخگوی نیازهای مردم باشد؟ اگر پاسخ مثبت است، باید شاخص‌ها و نتایج آن برای مردم تشریح شود و اگر پاسخ نیازمند اصلاح است، تعلل در اصلاح نیز خود می‌تواند به یک مسئله تبدیل شود. افکار عمومی دیگر صرفاً با خبرهای انتصاب و تغییر مدیران قانع نمی‌شود.

مردم نتیجه می‌خواهند. کادر درمان ثبات و حمایت می‌خواهد. مدیران میانی برنامه و اختیار می‌خواهند و بیماران، خدماتی باکیفیت، در دسترس و شایسته می‌خواهند! این مطالبات سیاسی نیست، مطالبه طبیعی جامعه از نظام سلامت است. اکنون بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد ریاست دانشگاه علوم پزشکی گلستان از چرخه تصمیم‌های کوتاه‌مدت فاصله بگیرد و به سمت تخصص‌گرایی، شفافیت، ثبات مدیریتی و پاسخ‌گویی واقعی حرکت کند. مسئولان ارشد استان باید بدانند که تأخیر در تصمیم‌گیری درباره ساختارهای حساس درمانی، صرفاً یک مسئله اداری نیست! این تأخیر می‌تواند بر اعتماد کارکنان و برداشت مردم از کارآمدی نظام سلامت اثر بگذارد. سلامت مردم جای سیاسی‌کاری نیست. اگر مدیری شایسته است، باید از او حمایت شود. اگر مدیری نیازمند اصلاح است، باید اصلاح شود و اگر ساختاری با مشکل مواجه است، باید بدون تعارف برای آن راه‌حل پیدا کرد. مردم گلستان بیش از وعده، مدیریت می‌خواهند. بیش از عنوان، کارنامه می‌خواهند و بیش از تغییرات پی‌درپی، ثبات و نتیجه می‌خواهند. حالا توپ در زمین تصمیم‌گیران است. یا باید مسیر مدیریت سلامت گلستان شفاف، تخصصی و پاسخگو شود، یا باید پذیرفت که ادامه بالاتکلیفی، خود به یک مسئله برای سلامت عمومی تبدیل خواهد شد.

فعال رسانه‌ای

پاسخ به این پرسش، نیازمند شفافیت است، نه سکوت. در میان ساختارهای درمانی استان، شبکه بهداشت و درمان گنبدکاووس جایگاه ویژه‌ای دارد. گستره جغرافیایی، جمعیتی و خدماتی این شهرستان و نقش آن در شرق گلستان، ضرورت برخورداری از یک مدیریت توانمند و باثبات را دوچندان می‌کند. اینجا دیگر سخن از یک عنوان اداری ساده نیست. هر تصمیم مدیریتی در این مجموعه می‌تواند بر نحوه ارائه خدمات، رضایت کارکنان، دسترسی بیماران و کیفیت پاسخگویی به مردم اثر بگذارد. بنابراین، جامعه انتظار دارد درباره روند مدیریت این مجموعه، معیارها، برنامه‌ها و افق پیش‌رو شفاف باشد. اگر مدیری انتخاب می‌شود، باید معلوم باشد بر اساس چه شاخص‌هایی انتخاب شده است. اگر مدیری تغییر می‌کند، باید دلایل آن برای افکار عمومی قابل فهم باشد و اگر مدیری ادامه می‌دهد، باید برنامه و کارنامه او مورد ارزیابی قرار گیرد. این همان چیزی است که می‌توان از آن به عنوان مدیریت پاسخگو یاد کرد. یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های نظام سلامت، ساختمان و تجهیزات نیست، نیروی انسانی متخصص است. پزشک، پرستار، ماما، بهورز، کارشناس و سایر کارکنان زمانی می‌توانند بهترین خدمت را ارائه کنند که بدانند سازمان‌شان مسیر مشخصی دارد و تصمیم‌های مدیریتی بر اساس معیارهای حرفه‌ای اتخاذ می‌شود. اگر فضای مدیریتی طولانی‌مدت با ابهام همراه شود، طبیعی است که بخشی از انرژی سازمانی به‌جای حل مشکلات مردم، صرف مسائل داخلی و حاشیه‌های مدیریتی شود. این نقطه‌ای است که باید جدی گرفته شود. چرا که فرسایش یک سازمان ممکن است از جایی آغاز شود که در ظاهر، هنوز همه چیز عادی به نظر می‌رسد. اکنون چند سؤال روشن پیش روی ریاست دانشگاه علوم پزشکی گلستان قرار دارد:

۱. معیار انتخاب مدیران حوزه سلامت چیست؟
۲. چه میزان از نظر کارشناسان و بدنه تخصصی در این تصمیم‌ها استفاده می‌شود؟
۳. برنامه مشخص برای حل مشکلات مدیریتی و اجرایی شبکه‌های بهداشت و درمان چیست؟
۴. چرا برخی فرآیندهای مدیریتی طولانی و فرسایشی می‌شوند؟
۵. و مهم‌تر از همه، چه سازوکاری وجود دارد که اطمینان دهد منافع سلامت مردم، در تصمیم‌های مدیریتی، اولویت نخست باقی می‌ماند؟

این پرسش‌ها اتهام نیستند، بلکه مطالبه عمومی برای



سلامت عمومی در سایه ملاحظات سیاسی ...



علی کیان

وقتی پای سلامت مردم در میان است، هیچ ملاحظه‌ای نباید بر تخصص و کارآمدی غلبه کند. آنچه امروز در مدیریت نظام سلامت گلستان نیازمند پاسخ روشن است، نه صرفاً نام مدیران، بلکه کیفیت تصمیم‌هایی است که مستقیماً بر زندگی مردم و آینده کادر درمان اثر می‌گذارد. تداوم ابهام، تصمیم‌های مقطعی و نبود چشم‌انداز روشن، می‌تواند نظام سلامت را از مأموریت اصلی خود دور کند. سلامت مردم، محل آزمون مدیریتی نیست! نظام سلامت با بسیاری از دستگاه‌های اجرایی تفاوت دارد. در این حوزه، آثار یک تصمیم ضعیف ممکن است ماه‌ها و حتی سال‌ها باقی بماند. بیمارستان، مرکز بهداشت، شبکه درمان و دانشگاه علوم پزشکی، ساختارهایی نیستند که بتوان آن‌ها را با آزمون و خطا اداره کرد. مدیر حوزه سلامت باید بتواند تصمیم بگیرد، بحران را مدیریت کند، بدنه تخصصی را همراه سازد و در برابر افکار عمومی پاسخگو باشد. از همین رو، هرگاه مدیریت یک مجموعه درمانی با بی‌ثباتی، ابهام یا تصمیم‌های موقت مواجه شود، این پرسش به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد که آیا منافع حرفه‌ای و سلامت مردم همچنان در مرکز تصمیم‌گیری قرار دارد؟

دستگاه‌های متولی به سهامداران پتروشیمی تکلیف قانونی دارند

به تعهدات خود عمل کنند. وی افزود: این مجموعه‌ها در قبال مردم استان و سهامداران پتروشیمی تعهد داده‌اند و باید پاسخگوی اجرای تعهدات خود باشند. رئیس کل دادگستری گلستان گفت: دادگستری استان در مرحله نخست با ورود حقوقی، مسیر تعیین تکلیف پتروشیمی گلستان را هموار کرد و اکنون در مرحله اجرا نیز برای شناسایی و رفع موانع پیش روی پروژه آماده پیگیری های قانونی است. اسپانلو تأکید کرد: دستگاه‌های متولی نیز باید در چارچوب تعهدات و مسئولیت‌های خود وارد عمل شوند تا تصمیمات اتخاذشده به مرحله اجرا برسد. در این نشست، اعضای هیات‌مدیره پتروشیمی گلستان گزارشی از آخرین اقدامات انجام‌شده ارائه کردند و مسائل و موانع موجود در مسیر اجرای پروژه را با رئیس کل دادگستری استان در میان گذاشتند. پتروشیمی گلستان از ابرپروژه‌های استان است که در جریان سفر سال ۱۴۰۰ رئیس قوه قضاییه به گلستان، به درخواست مردم و مسئولان استان از دستگاه قضایی، رئیس قوه قضاییه به دادگستری استان برای تعیین تکلیف وضعیت حقوقی آن ماموریت داد که پس از پیگیری‌های حقوقی شبانه روزی سال ۱۴۰۲ همه مشکلات حقوقی این پروژه حل و ادامه اجرای پروژه به هلدینگ خلیج فارس سپرده شد.



گزارش روابط عمومی، محمود اسپانلو در نشست با اعضای هیات‌مدیره پتروشیمی گفت: تعهدات دو سفر استانی رئیس قوه قضاییه و رئیس جمهور شهید به استان گلستان درباره این پروژه، همچنان به قوت خود باقی است و هلدینگ خلیج فارس، شرکت پتروشیمی ایران و شرکت نفت باید

رئیس کل دادگستری گلستان با تأکید بر اجرای تعهدات مجموعه‌های مسئول در قبال پتروشیمی استان به ۹۰ هزار سهامدار این پروژه گفت: دادگستری پس از کمک به تعیین تکلیف حقوقی این پروژه، رفع موانع اجرایی و عمل دستگاه‌های متولی به تعهدات خود را پیگیری می‌کند. به



مهدی جلیلی

کاتیلینا: طنین کهن یک توپنه، پژواک ابدی یک انسان

می‌شوند. او در لحظه نهایی، حتی اورلیا را که نماد پاکی است، ناخواسته قربانی می‌کند؛ فاجعه‌ای که نشان می‌دهد خشونت، کور است و خوب و بد را نمی‌شناسد. در مقابل، کالیایف در "دادگرها" نمادی از آن انقلابی است که حاضر نیست به هر قیمتی به هدفش برسد. او می‌پذیرد که جان کودکان بیگناه، ارزشی فراتر از هر هدف سیاسی دارد. او با امتناع از ترور، یک مرز اخلاقی را ترسیم می‌کند: خشونت، اگرچه ممکن است در برخی شرایط "لازم" به نظر برسد، اما هرگز نباید از خط قرمز بی‌گناهی عبور کند. اینجاست که "دادگرها" به عنوان یک نقد رادیکال بر توجیه خشونت انقلابی، حتی وقتی که با ایده‌آل‌ترین نیت‌ها همراه است، عمل می‌کند.

قهرمان‌های تنهای ایسن در برابر جامعه

اغلب قهرمانان ایسن، افرادی تنها، در برابر جامعه‌اند. ایسن خشونت را تأیید نمی‌کند؛ او آن را به عنوان تراژدی انتخاب‌های انسانی نشان می‌دهد. در «کاتیلینا»، خشونت نه راه‌حل است و نه ارزش اخلاقی؛ بلکه نشانه‌ی بن‌بست فردی و اجتماعی است. ایسن کاتیلینا را انسانی می‌بیند که در برابر فساد و ریاکاری سیاسی قرار گرفته، اما به جای اصلاح، به خشونت و شورش روی می‌آورد و همین انتخاب او را نابود می‌کند. ایسن در آثار بعدی‌اش نیز همین موضع را حفظ می‌کند:

در «براند»، خشونت اخلاقی و سخت‌گیری افراطی و تلقی نادرست از مفهوم ایمان به فاجعه می‌انجامد و به مرگ همسر و فرزند کشیش ختم می‌شود. در «دشمن مردم»، قهرمان با حقیقت می‌جنگد، نه با اسلحه. در «اشباح»، خشونت غایب است، اما پیامدهای اخلاقی انتخاب‌های غلط، ویرانگرتر از هر جنگی‌اند. بنابراین، ایسن خشونت را ابزار مشروع تغییر نمی‌داند؛ او آن را تراژدی انتخاب‌های انسانی می‌بیند، نه راه‌راهی.

اما چرا ایسن کاتیلینا را قهرمان می‌بیند؟ ایسن جوان، شیفته‌ی این ایده بود که فرد تنها می‌تواند در برابر ساختارهای فاسد بایستد؛ حتی اگر شکست بخورد اما بعدها فهمید که شور انقلابی بدون تحلیل اخلاقی، به خشونت کور می‌انجامد. به همین دلیل، «کاتیلینا» برای او درس شکست رمانتیسم سیاسی بود.

اگر «کاتیلینا» را نقطه آغاز شور انقلابی ایسن بدانیم، «خانه عروسک» نقطه بلوغ کامل اوست؛ جایی که خشونت، انقلاب، شورش سیاسی و قهرمان‌سازی کنار می‌رود و ایسن به انقلاب آرام، اخلاقی و انسانی می‌رسد؛ انقلابی که در سکوت یک خانه رخ می‌دهد، نه در میدان نبرد. موضع ایسن در «خانه عروسک» ایسن بارها گفته بود که این نمایشنامه را «بیانیه حقوق زنان» نوشته است؛ بلکه بیانیه حقوق انسان است.

او معتقد بود که هر انسان چه زن یا مرد حق دارد: خودش را بشناسد، خودش را بسازد خودش را انتخاب کند و اگر ساختارهای اجتماعی مانع این شناخت شوند، ترک کردن آن ساختار یک ضرورت اخلاقی است. در «خانه عروسک»، ایسن هیچ شکل از خشونت فیزیکی را نمی‌پذیرد.

حتی زمانی که نورا تصمیم به ترک خانه می‌گیرد، این تصمیم: بدون فریاد، بدون تهدید، بدون خشونت و بدون انتقام اتفاق می‌افتد. ایسن در این اثر نشان می‌دهد که خشونت، راه‌راهی نیست؛ راه‌راهی از مسیر آگاهی، گفت‌وگو و تصمیم اخلاقی می‌گذرد. خشونت در «خانه عروسک» چگونه تعریف می‌شود؟

ایسن خشونت را در این نمایشنامه نمادین می‌کند: خشونت پدرسالاری خشونت نگاه کودک‌انگاره‌ی نورا و والد خشونت ساختارهای اجتماعی خشونت نقش‌های جنسیتی خشونت زن خوب بودن» به عنوان یک وظیفه. این‌ها خشونت‌هایی هستند که نورا سال‌ها تحمل کرده، اما ایسن را در «خشونت متقابل» نمی‌بیند؛ راه‌حل در ترک ساختار خشونت‌زا است. چرا نورا می‌رود؟ ایسن در یادداشت‌هایش می‌گوید: «نورا باید برود تا انسان شود.» این جمله کلیدی نشان می‌دهد که ایسن خشونت رانه‌را حل، بلکه بخشی از مشکل می‌داند. نورا با رفتن، خشونت را باز تولید نمی‌کند؛ بلکه چرخه خشونت نمادین را می‌شکند. نورا قهرمان خشونت نیست؛ قهرمان خودشناسی است.

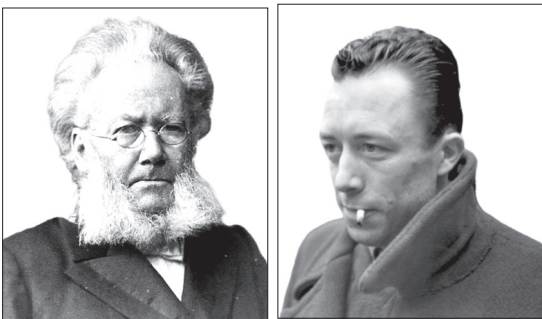
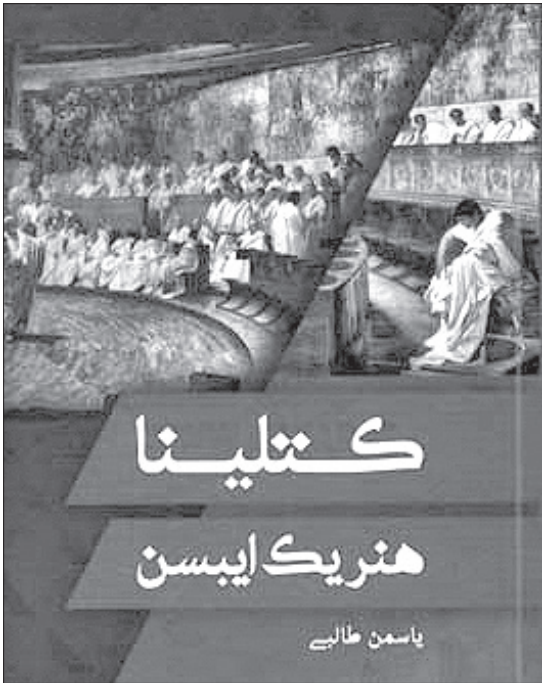
ناگفته نماند که دارپوش مهرجویی، «سارا» را بر اساس «خانه عروسک» و «اشباح» را با اقتباس از «اشباح» ایسن ساخته است.

از روم باستان تا امروز

نمایشنامه "کاتیلینا"ی ایسن، با تمام سادگی و قدرت دراماتیک خود، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که در طول قرن‌ها، همچنان ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. آیا می‌توان با ابزارهای ناپاک به اهداف پاک رسید؟ آیا خشونت، راهی برای عدالت است؟ یا اینکه خشونت، ذاتاً ویرانگر است و هر هدفی را که به خاطر آن به کار گرفته شود، آلوده می‌کند؟

اندیشه‌های کامو در مورد خشونت، به ویژه در "دادگرها" و مواضع او در مورد انقلاب الجزایر، پاسخی روشن به این پرسش‌ها ارائه می‌دهد: خیر. کامو به ما می‌آموزد که حتی در شدیدترین مبارزات برای آزادی و عدالت، مرزهایی وجود دارد که نباید از آن‌ها عبور کرد. ارزش زندگی انسان، به ویژه زندگی بیگناهان، از هر هدف سیاسی یا انقلابی بالاتر است. او به ما یادآوری می‌کند که انسانیت ما، در توانایی ما برای نه گفتن به خشونت بی‌حد و حصر، حتی در برابر دشمنان، نهفته است. کاتیلینا، در نهایت، قربانی تناقض درونی خود می‌شود؛ قربانی این باور که برای پاکسازی روم، باید دست به کارهای ناپاک زد. او نتوانست مانند کالیایف، در لحظه حساس، مرز اخلاقی را تشخیص دهد و از آن عبور نکند. ایسن، قرن‌ها پیش از کامو، این حقیقت تلخ را به ما نشان داد که ایده‌آلیسم، اگر با درایت و خویشتن‌داری اخلاقی همراه نباشد، می‌تواند به فاجعه منجر شود.

بنابراین، بازخوانی "کاتیلینا" در این دوران، نه تنها یک تجربه ادبی، بلکه یک دعوت به تأمل عمیق انسانی است. دعوتی برای بازاندیشی در مورد ماهیت عدالت، انقلاب و بهای خشونت. دعوتی برای به یاد آوردن اینکه انسانیت ما، در توانایی ما برای حفظ کرامت زندگی، حتی در سخت‌ترین شرایط، ریشه دارد. و این پیامی است که از روم باستان، از قلم ایسن و از اندیشه‌های کامو، تا به امروز، همچنان طنین‌انداز است و بی‌شک، تا ابد نیز طنین‌انداز خواهد بود.



عدالت و جایگاه انسان در جهانی بی‌معنا در این میان، نام آلبر کامو، فیلسوف و نویسنده بزرگ فرانسوی، به شدت در ذهن طنین‌انداز شد. کامو، به ویژه در آثارش و در مواضعش نسبت به رویدادهای زمانه‌اش، مانند انقلاب الجزایر، همواره بر محدودیت‌های خشونت و خطرات توجیه آن تأکید داشت. کامو، که خود تجربه‌ی تلخ جنگ جهانی دوم و مقاومت فرانسه را از سر گذرانده بود، به خوبی می‌دانست که خشونت، حتی با نخبه‌ترین اهداف، می‌تواند به چرخه‌ای بی‌پایان از ویرانی منجر شود. او در "انسان طاعن" (The Rebel)، به تفصیل به تحلیل پدیده شورش و انقلاب می‌پردازد و مرزهای اخلاقی آن را مشخص می‌کند. کامو بر این باور بود که شورش، اگرچه ممکن است در ابتدا با انگیزه‌های مشروعی آغاز شود، اما اغلب به توتالیتاریسم و خشونت بی‌حد و حصر ختم می‌شود؛ زیرا به محض اینکه شورشیان، خود به قدرت برسند، ممکن است همان ستم‌هایی را که علیه آن شوریده بودند، بازتولید کنند. همین نگاه را می‌توان در موضع کامو نسبت به انقلاب الجزایر مشاهده کرد. او که در الجزایر به دنیا آمده بود و خود را "فرزند الجزایر" می‌دانست، بین دو جبهه گرفتار بود: از یک سو، ستم استعماری فرانسه را محکوم می‌کرد و خواستار عدالت برای مردم الجزایر بود، و از سوی دیگر، خشونت بی‌رویه از سوی هر دو طرف را نمی‌پذیرفت. او به دنبال راه‌حلی بود که کمترین میزان خونریزی را در پی داشته باشد و به حرمت جان انسان‌ها احترام بگذارد، حتی اگر این موضع‌گیری، او را در میان هر دو جبهه منزوی می‌کرد.

ترور ناسر انجام و حضور بیگناهان: "دادگرها"

این نگاه ضدخشونت کامو، به ویژه در نمایشنامه درخشان او، "دادگرها" (The Just Assassins) به اوج خود می‌رسد. این نمایشنامه که بر اساس یک رویداد واقعی در روسیه سال ۱۹۰۵ نوشته شده، داستان گروهی از انقلابیون سوسیالیست را روایت می‌کند که قصد ترور دوک بزرگ سرگئی الکساندروویچ را دارند. اما در لحظه آخر، یکی از تروریست‌ها به نام "کالیایف" از پرتاب بمب خودداری می‌کند، چرا که متوجه می‌شود دوک بزرگ، همراه با فرزندان خردسالش در کالسکه حضور دارند. کالیایف نمی‌تواند کودکان بیگناه را قربانی هدف سیاسی خود کند. او با این کار، جان خود را به خطر می‌اندازد و در نهایت نیز به جرم ترور، دستگیر و اعدام می‌شود، اما تصمیم او، بیانیه‌ای قدرتمند درباره محدودیت‌های اخلاقی خشونت و قداست جان انسان، حتی در بحبوحه انقلاب و مبارزه است.

کاتیلینا و "دادگرها": یک آینه مشترک

چه شباهت عمیقی میان کاتیلینای ایسن و "دادگرها"ی کامو وجود دارد! هر دو اثر، با طرافت تمام، به مسئله اساسی "حدود اخلاقی عمل" می‌پردازند. کاتیلینا، با وجود نیت‌های پاکش، از مرزهای اخلاقی عبور می‌کند. او اجازه می‌دهد که خشم و آرمان‌گرایی‌اش، او را به سمت ابزارهای خشونت‌آمیز سوق دهد، ابزارهایی که در نهایت، نه تنها به پاکسازی نمی‌انجامند، بلکه به ویرانی بیشتر و از دست رفتن معصومیت (نمادین در اورلیا) منجر

فلسفه اخلاق، یکی از مهم‌ترین علاقه‌مندی‌هایم در این سال‌ها بوده و در این ماه‌ها «خشونت»، جدی‌ترین موضوعی بوده که ذهنم را به خود مشغول کرده است. این موضوع با مرور دوباره آثار آلبر کامو و سلوک او به سرانجام آمد. مواجهه اتفاقی با «کاتیلینا»ی هنریک ایبسن که «دشمن مردم»‌اش را بسیار می‌ستایم پس از سی و خورده‌ای سال، پیوندی دوباره بین من و کامو و موضوع خشونت ایجاد کرد. همین حالا هم که اینها را می‌نویسم ساعاتی بیش نیست که «نام گل سرخ» امبرتو اکو را تمام کرده دوباره دست گرفته‌ام تا بلافاصله از نو از راه گوش، با صدای رضا عمرانی بخوانم! و البته آنچه مرا سمت رمان اکو برد، «نام من؛ سرخ» اورهان پاموک (دارنده نوبل ۲۰۰۶) بود که اقتباسی در موضوع و البته بسیار دیگرگون از آن است. در این اولین رمان اکو هم، مثل رمان پاموک، خشونت به شکل قتل، مسئله اصلی است. در اولی، کتاب و دانش، هسته اصلی است در دومی، نقاشی و حفظ سنت‌های شرقی در برابر تکنیک غربی! در هر دو نیز، انگیزه حفاظت، موجبات خشونت و ورشته‌ای از قتل‌ها را رقم می‌زند. در اکو، الهیات مسیحی در قرون وسطی و در رمان پاموک، سنت‌های نگارگری شرقی، مقارن سلطان سلیمان، در کامو، انقلاب الجزایر و واکنش سیاسی او و به تأکید بسیاری حتی عدم توجه او به واقعیت‌هایی که بر جهان پیرامون او می‌گذرد. موضوع کاتیلینا و موضع ایبسن اما کاملاً متفاوت است و البته که با نگرش کامو، قربانی دارد. باز هم کاتیلینا! این نام، این شخصیت، این نمایشنامه. دوباره به دنیای کاتیلینا، به روم باستان، و به ذهن پر آشوب ایبسن سفر کردم. و چه سفری! در این روزگار پر از آشوب و سردرگمی، بازخوانی این اثر، نه یک مرور ادبی صرف، که یک تأمل عمیق انسانی بود. ایبسن، این چهره نامدار ادبی نروژ، در اولین اثر نمایشی خود، دست به کاری زد که شاید در آن زمان (۱۸۵۰م) جسورانه به نظر می‌رسید: بازآفرینی شخصیتی تاریخی که عموماً به عنوان یک خائن و جاه‌طلب شناخته می‌شد. لوسیوس سرجیوس کاتیلینا، آنگونه که سالوست و سیسرون تصویر کرده بودند، نمادی از فساد و توپنه بود. اما ایبسن، با قلم جادویی خود، کاتیلینا را از زیر آوارهای تاریخ بیرون کشید و به او روحی تازه بخشید؛ روحی سرشار از ایده‌آلیسم، سرخوردگی، و البته تناقض.

کاتیلینا: یک ایده‌آلیست در میان ویرانه‌ها

ایبسن ۲۲ ساله است و دو سال پیشتر انقلاب ۱۸۴۸ در شمال اروپا به وقوع پیوسته. ایبسن به دنبال قهرمان است. پس آنچه ایبسن از کاتیلینا می‌سازد، نه یک شرور ساده، بلکه انسانی پیچیده است که در میان ویرانه‌های اخلاقی جامعه خود دست و پا می‌زند. روم، آن امپراتوری عظیم و باشکوه، در نظر کاتیلینای ایبسن، به مردابی از فساد، دروغ و بی‌عدالتی تبدیل شده است. سناتورها غرق در عیش و نوش و ثروت‌اندوزی، و مردم عادی زیر بار فقر و ستم له می‌شوند. در چنین فضایی است که کاتیلینا، با روحی حساس و آرمان‌گرا، تاب نمی‌آورد. او نمی‌تواند شاهد این تباهی باشد و سکوت کند. انگیزه‌های او، در روایت ایبسن، نه صرفاً جاه‌طلبی شخصی، بلکه میل به پاکسازی، به برگرداندن فضیلت‌های فراموش شده، و به ایجاد یک جامعه عادلانه‌تر است. اینجاست که ما، خوانندگان قرن‌ها بعد، می‌توانیم با او همذات‌پنداری کنیم. چه کسی است که در برابر بی‌عدالتی‌ها و فسادهای زمانه‌اش، حس خشم و میل به تغییر را تجربه نکرده باشد؟ اما مشکل کاتیلینا، و شاید مشکل بسیاری از ایده‌آلیست‌ها در طول تاریخ، در انتخاب ابزار است. او که از راه‌های مسالمت‌آمیز ناامید شده، به سمت خشونت و توپنه کشیده می‌شود. اینجاست که درام واقعی آغاز می‌شود: آیا هدف، وسیله را توجیه می‌کند؟ آیا برای رسیدن به یک آرمان پاک، می‌توان دست به اعمال ناپاک زد؟

رقص مرگ و زندگی: اورلیا و فولیا

ایبسن برای به تصویر کشیدن این کشمکش درونی کاتیلینا، دو شخصیت زن را وارد صحنه می‌کند که هر یک نمادی از نیروهای متضاد در وجود او هستند: اورلیا و فولیا.

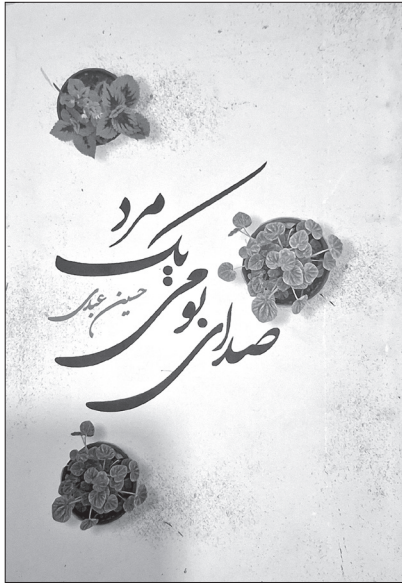
اورلیا: همسر کاتیلینا، زنی با فضیلت، آرام و سرشار از عشق. او نمادی از پاکی، معصومیت و ارزش‌های اخلاقی سنتی است. اورلیا سعی می‌کند کاتیلینا را از مسیر خشونت باز دارد، او را به زندگی آرام و پرهیز از خونریزی دعوت می‌کند. او تجسم همان بخش از وجود کاتیلینا است که خواهان صلح، آرامش و رستگاری بدون آلودگی است. اورلیا، وجدان کاتیلینا است؛ صدایی که او را به سوی نور می‌خواند. مرگ او در پایان نمایشنامه، نه تنها یک فاجعه شخصی، بلکه نمادی از مرگ معصومیت و پاکی در مسیر خشونت.

فولیا: در مقابل اورلیا، فولیا قرار دارد؛ زنی قدرتمند، کینه‌توز و انتقام‌جو که خانواده‌اش قربانی ستم اشراف روم شده‌اند. او نماد نیروی تاریک، خشم سرکوب‌شده و میل به انتقام است. فولیا با تحریک غرور و حس عدالت‌خواهی کاتیلینا، او را به شورش و خونریزی ترغیب می‌کند. او همان نیروی وسوسه‌انگیزی است که کاتیلینا را به سمت عمل می‌راند، حتی اگر این عمل به قیمت نابودی خودش و دیگران تمام شود. فولیا تجسم بخش تاریک و بی‌پروا در وجود کاتیلینا است که او را به سوی ورطه هل می‌دهد.

تضاد میان اورلیا و فولیا، به زیبایی کشمکش درونی کاتیلینا را به تصویر می‌کشد. او در میان این دو نیروی متضاد گیر افتاده است: یکی او را به سوی پاکی و صلح می‌خواند و دیگری به سوی انتقام و ویرانی. این نبرد درونی، او را به قهرمانی تراژیک بدل می‌کند که حتی با بهترین نیت‌ها نیز، محکوم به شکست است. او در نهایت، در تلاش برای رسیدن به عدالت، خود به ابزاری برای خشونت تبدیل می‌شود و در این مسیر، هم خودش و هم معصومیت را قربانی می‌کند.

طنین کاتیلینا در دوران مدرن: پیوند با اندیشه‌های آلبر کامو

بازخوانی "کاتیلینا" در این دوران پر آشوب، ناگزیر ذهن را به سوی اندیشمندان و نویسندگانی می‌کشاند که درگیر مسائل مشابهی بوده‌اند؛ مسائلی چون خشونت، انقلاب،



مثل پژواک از دل این کوه باید رفت
جاده‌ام می‌خواند اینک، «کفش‌هایم کو؟»

بزرگداشت شاعر



چندی پیش، برای تقدیر از چهار دهه فعالیت ادبی درخشان حسین عبّدی، شاعر گرگانی بزرگداشتی برگزار شد. کاری مبارک و ارزشمند. به این بهانه چند غزل از مجموعه «صدای بومی یک مرد» او برگزیدیم که می‌خوانید:

صدا

رعد بودم پیش از این حالا صدایم کو؟
سینه‌ام می‌ترکد از فریاد نایم کو؟
یک نفر نی می‌زند، تنهایی خود را
با گلولی لال می‌خواند «صدایم کو؟»
من صدایم. سوی هر کس می‌روم کوه است
در غریبستانه، مُردم، آشنایم کو؟
چون صدا رد می‌شوم از کوچه‌های شهر
ای که می‌پرسید از من رد پایم کو؟!
مانده‌ام این سوی درها چون صدایی بکر
آن که در – یک لحظه – بگشاید برایم، کو؟

صنوبر

چه می‌گویم کسی وقتی نمی‌بیند صدایم را
و دستی نیز آخر لال خواهد کرد نایم را
چه می‌گویم کسی وقتی نمی‌بیند صدایم را
و دستی نیز... نه! یا حق! مدد کن دست‌هایم را
*

بدان که نیشخندی بر هراست می‌زند نامرد!
اگر که باز می‌بینی دهان زخم‌هایم را
دهانم حجم خواهش نیست نانت را نمی‌خواهم

اگر مردی ز بند خود رها کن دست و پایم را
نخواهی کرد می‌دانم که در کابوس‌های خود
به خونت تشنه می‌بینی پلنگ اشتهایم را
کنون باید که گرد از روی میراث کهن گیرم
و برگیرم تفنگ گرگ‌انداز نیایم را
حریف این صنوبر نیستی‌ها ای تبر! برگرد
نخواهی دید خاک‌آجین تن زخم آشنایم را

ابری‌ترین

تو تقصیری نداری من اگر بارانی‌ام سردم

آمدنت اتفاق پروانه



عیسی آزاد، گرگان

چه شکبانه هرس می‌شوم
از تنهایی باغ
گره‌ای دران هی کش می‌خورد و حضور هیچ دارد
و کلمات شورشی که مچاله ایستاده‌اند
در این انقلاب هیچ
پرندگان به سودای چشم
این معمول که از من شورشی‌تر
سلانه سلانه به آرامش تن فروش
و من که به حراج خود عادت
و درختانی که با من پیاده
و درختانی که در تو تمام
و شهری که در دور آواز می‌خواند.
و تمام سمفونی‌های اینجا بوی افیون
در صورتت دو موشک منفجر نشده
از آشوبتس/ و آمدنت اتفاق پروانه
این هجاهای تشنه تا بامداد مهرورز در من گریه
کردند و اتفاق چشم‌ها
انقلاب دائمی در متن
این شعرهای کویری می‌باریدند و هی تشنه
و واژه‌های خیزی که هر روز روی بخاری
بوی سیب می‌دادند
حالا در این تنهایی
هیچ مهربان تری/ که از مدار خارج
و هیچ گاه از مهربانی‌تر
نترسیدم که هیچ در تنهایی آنفلوانزا بخورد
به باغ بگو در این بزهوت در این تنها
به جای همه جهان گریه کردم
تا مهربانی تو زیباتر گردد
این سپید تشنه‌تر از آب
به صورت استغاثه
نیمه سیب را به پهلوی سرخ ماه می‌بافد
حالا شاید نام کوچک این هیچ این تنها

دلیل وا شدن پیل‌هام! نمی‌آیی؟
من: آسمان شبی بی‌ستاره و ابری
تو رنگِ آبی بی‌انتهای دریایی
هنوز روی تنم ردّ بوسه‌ات پیداست
درست گوشه‌ی قلبم.. همیشه این‌جایی..
برای هر تپشش تَنگِ سینه‌ام تَنگ است
بگو که ماهی سرخ مرا پذیرایی
به جز تو، شعرِ مرا هیچ‌کس نمی‌فهمد
شبیبه مادر لالی که خواند لالایی
تو را نشسته در آن سوی میز می‌بینم
بمان خیالِ عزیزم! به صرفِ یک چایی..

زخم کاری



سید مسعود حسینی، گنبدکاووس

من روزگارم، شرح زخم و استخوان بود
بی‌شیل‌پیل‌ه حرف‌هایم بر زبانم بود
مثل «سگ ولگرد صادق» پاسخِ مهمرم
صد سنگ و چوب از خانه و همسایگانم بود
هر حرف که از دل برآمد توی گِل افتاد
فهمیده بودم خوش‌زبانی، خصمِ جانم بود
من بره‌ای بودم ولی در گله‌ی «یعقوب»
از چاه شب تا بردگی، در امتحانم بود
آماده بودم تا تبر را بر گلویم بُرد؛
او که بُتم را می‌شکست، از بستگانم بود
سیراب از خون دل و دلتنگم و خسته
در سفره‌ام، مغز کبودم لای نانم بود
سخت است اما عاقبت، هر زخم کاری که
بر عمق جانم خورده از هم‌آشیانم بود



تو باشی
که خواب می‌کند از دنیا
بر سرزمینی که هم زیبا و هم آفتابی‌ست
و جهان پنجره پنجره
می‌ریزد و
جهان ده می‌گردد

حافظه انگشت‌ها



آناهیتا فرح‌بخش، گرگان

به حافظه انگشت‌ها در مواجهه‌ی تنت
فکر کردن
چقدر می‌تواند نجات دهنده باشد؟
از من می‌پرسی؟
آنقدر که حالا باقی مانده
از باقیمانده‌های مچاله‌ی تنم
دست بجنیان
سراسیمه
مثل اسب‌هایی که بر تپه‌های مرمرین من
بتاخت، آمدنی شدند
دست‌جنیان و پای‌کوبان
شبیبه رقص کولی‌هایی که
تو را در شکم‌های خود پرورانی‌دند
تا یکبار دیگر
منظومه‌ای
ازین دشت
متولد شود
اینکه می‌شود تاریخ‌ها را تبدیل کرد
به مبدایی تازه
–به لحظه صدای ترک خوردن بلندترین/ استخوان تن
در فشار بازوهای کولی‌ات–
یعنی آنقدر نداشتنت
مربوط می‌شود/ به سال‌هایی که دیگر برای شمرده
شدن نقطه شروعی نخواهند داشت



یک تکه پاییز



مهدی رحیمی، گرگان

برگِ غم! از شاخه‌های یاد افتادم
یک تکه پاییزم که دست باد افتادم
من ردّ دردم زیر پای مردم این شهر
یک شیشه بغضم، از لب فریاد افتادم
یک تکه تنهایی که در زندان بی دیوار
بر خاک‌برگِ مرگِ خود آزاد افتادم
من تیشه ی صبرم که در این قحطی امید
از دستهای خسته ی فرهاد افتادم
تقویم ها را پاره کن هر روز پاییز است
از بام دنیا لحظه ی ایجاد افتادم
من آدمیزادم در اندام درختی سبز!
سبزی که در زردی استبداد افتادم!

تَنگِ سینه‌ام تَنگ است



فاطمه خاتمی، علی‌آباد کتول

تنیده دور تنم تارهای تنهایی

چهار فیلم کودک و نوجوان مهمان پرده سینماها می شود

خدمات فرهنگی در این مناطق است. گلچین همچنین از پیش بینی تمهیداتی برای کاهش هزینه حضور خانواده‌ها در این رویداد خبر داد و یادآور شد: بلیت اکران فیلم‌های سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان با قیمت ۵۰ هزار تومان عرضه می‌شود. وی ادامه داد: قیمت‌گذاری ۵۰ هزار تومانی بلیت اکران فیلم‌های سینمایی با هدف تسهیل دسترسی خانواده‌ها و دانش‌آموزان و فراهم کردن امکان بهره‌مندی تمامی اقشار جامعه به‌ویژه خانواده‌های کم‌برخوردار از آثار سینمایی جشنواره اتخاذ شده تا شرایط اقتصادی مانعی برای حضور کودکان و نوجوانان در این رویداد فرهنگی و سینمایی نباشد. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان با اشاره به ظرفیت‌های موجود در استان در حوزه سینما تصریح کرد: گلستان از ظرفیت قابل توجهی در حوزه فیلم کوتاه، فیلمسازان جوان، انجمن‌های سینمایی و آموزشگاه‌های آزاد سینمایی برخوردار است و بخشی از استعدادهای استان در سال‌های اخیر در قالب فیلم کوتاه، مستند، داستانی و آثار دانش‌آموزی و جوانان فعالیت داشتند. گلچین تولید فیلم تخصصی در حوزه کودک و نوجوان را نیازمند حمایت هدفمندتر، تامین منابع، آموزش تخصصی فیلم‌نامه‌نویسی و تولید و همچنین ایجاد زمینه برای عرضه و اکران آثار برشمرده و متذکر شد: تقویت این ظرفیت‌ها می‌تواند زمینه حضور بیشتر فیلمسازان و استعدادهای گلستانی در عرصه تولید آثار کودک و نوجوان را فراهم کند و به شکل‌گیری جریان پایدارتر در این حوزه منجر شود.



فاصله جغرافیایی، کمبود زیرساخت‌های سینمایی و شرایط اقتصادی خانواده‌ها، دسترسی مستمر و آسانی به سالن سینما ندارند که توسعه برنامه‌های اکران در مناطق کم‌برخوردار، استفاده از ظرفیت سینما سیار و هماهنگی با دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی برای اکران فیلم‌های جشنواره و انتقال برنامه‌های سینمایی به شهرستان‌ها و مناطق محروم از جمله راهکارهای توزیع عادلانه‌تر

نیز فیلم‌های بلند و کوتاه داستانی، مستند، پویانمایی و آثار مبتنی بر هوش مصنوعی در بخش‌های مختلف جشنواره حضور دارند و آثار منتخب در گروه‌های سنی کودک و نوجوان به نمایش درمی‌آید. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان، عدالت فرهنگی را یکی از محورهای مهم فعالیت‌های فرهنگی در استان دانست و گفت: بخشی از کودکان و نوجوانان استان به دلیل

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان از اکران چهار فیلم منتخب سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در قالب سانس‌های ویژه کودکان و نوجوانان و دانش‌آموزان در گرگان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، احمد گلچین اظهار کرد: چهار فیلم سینمایی «گرگی خان ویژه کودک»، «یکی میاد دنبالم ویژه کودک»، «عموی بچه‌ها ویژه کودک و نوجوان» و «شوتینگا ویژه کودک» از آثار منتخب این دوره جشنواره برای کودکان و نوجوانان استان در ۲ پردیس سینمایی عصر جدید و کاپری گرگان اکران می‌شود. وی افزود: این چهار فیلم از ۱۲ تا ۱۵ مهرماه ۱۴۰۵ در پردیس سینمایی کاپری ساعت ۱۰ صبح و سینما عصر جدید گرگان ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه صبح برای کودکان، نوجوانان و خانواده‌ها روی پرده خواهد رفت. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان ادامه داد: برنامه اکران آثار جشنواره با هدف فراهم کردن فرصت تماشای آثار روز سینمای کودک و نوجوان و ایجاد تجربه فرهنگی مشترک برای خانواده‌ها در استان برنامه‌ریزی شده است. گلچین با اشاره به جایگاه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان توضیح داد: این جشنواره یکی از رویدادهای تخصصی و مهم سینمایی کشور در حوزه کودک و نوجوان است که با هدف توجه به نیازهای فرهنگی و هنری این گروه سنی، حمایت از تولیدات سینمایی، شناسایی استعدادهای جدید و تقویت جریان سینمای خانواده‌محور برگزار می‌شود. وی بیان کرد: در سی‌وهشتمین دوره این جشنواره

آگهی‌بانی

آگهی فقدان سند مالکیت

و کالتا حسین کاشانی از طرف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده ادعا نموده که سند مالکیت یک قطعه زمین دارای پلاک ثبتی شماره ۳۳۱ فرعی از ۱۹۰-اصلی واقع در کاله بخش ۹ ثبت کاله مفقود گردیده است لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده است که به حکایت ثبت دفتر املاک وضعیت ثبتی مالکیت نامبرده بدین شرح می‌باشد: مالکیت/بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان فرزند شماره شناسنامه تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم از کل سهم بعنوان مالک عرصه و اعیان متن سهم: مقدار ۲۲۰۸۴ مترمربع مشاع از شش‌دانگ با شماره مستند مالکیت ۴۱ تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۴ موضوع سند مالکیت اصلی شماره چاپی ۱۶۰۷۵۷ سری الف سال ۸۹ که در صفحه ۱۰۴ دفتر املاک جلد ۳۵۱ ذیل شماره ۵۸۸۱ ثبت گردیده است. مالکیت آنه محمد/ طاقانی فرزند عباس شماره شناسنامه ۵۲ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: مفروزی با شماره مستند مالکیت ۵۶۱ تاریخ ۱۳۸۲/۰۱/۱۹ موضوع سند مالکیت اصلی شماره چاپی ۷۶۴۰۱ سری سال که در صفحه ۲۰۸ دفتر املاک جلد ۸۶ ذیل شماره ۱۸۹۸۴ ثبت گردیده است. از این رو به استناد ماده ۱۲۰-آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی، اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی: روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بهمن سارلی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۱۲۸۶

آگهی فقدان سند مالکیت

و کالتا حسین کاشانی از طرف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده ادعا نموده که سند مالکیت یک قطعه زمین دارای پلاک ثبتی شماره ۲۲۸ فرعی از ۱۹۰-اصلی واقع در کاله بخش ۹ ثبت کاله مفقود گردیده است لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده است که به حکایت ثبت دفتر املاک وضعیت ثبتی مالکیت نامبرده بدین شرح می‌باشد: مالکیت/بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان شماره ثبت تاریخ ثبت دارای شماره ملی بعنوان

مالک عرصه و اعیان متن سهم: شش‌دانگ با شماره مستند مالکیت ۱۰۸۳۳ تاریخ ۱۳۸۷/۰۹/۰۶ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۶۰۷۵۶ سری الف سال ۸۹ که در صفحه ۲۴۴ دفتر املاک جلد ۸۵ ذیل شماره ۱۸۹۹۷ ثبت گردیده است. از این رو به استناد ماده ۱۲۰-آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی، اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی: روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بهمن سارلی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۱۲۸۴

آگهی فقدان سند مالکیت

و کالتا حسین کاشانی از طرف بنیاد مسکن انقلاب اسلامی با ارائه دو برگ استشهادیه گواهی شده ادعا نموده که سند مالکیت یک قطعه زمین دارای پلاک ثبتی شماره ۳۳۰ فرعی از ۱۹۰-اصلی واقع در کاله بخش ۹ ثبت کاله مفقود گردیده است لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از این واحد ثبتی نموده است که به حکایت ثبت دفتر املاک وضعیت ثبتی مالکیت نامبرده بدین شرح می‌باشد: مالکیت/بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان شماره ثبت تاریخ ثبت دارای شماره ملی بعنوان مالک عرصه و اعیان متن سهم: مقدار ۱۹۹۹۲ مترمربع مشاع از شش‌دانگ با شماره مستند مالکیت ۱۱۳۳۷ تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۷ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۵۳۳۰۱ سری الف سال ۸۸ که در صفحه ۱۰۰ دفتر املاک جلد ۳۵۱ ذیل شماره ۵۸۸۰ ثبت گردیده است. مالکیت اولیایلی/ طاقانی فرزند عباس شماره شناسنامه ۱۱ تاریخ تولد دارای شماره ملی با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان متن سهم: ۶ دانگ مفروزی با شماره مستند مالکیت ۱۶۱۷۱ تاریخ ۱۳۵۲/۰۴/۰۶ موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۱۳۴۵۶ سری - سال ۸۲ که در صفحه ۱۲۷ دفتر املاک جلد ۸۶ ذیل شماره ۱۸۹۵۷ ثبت گردیده است. محدودیت ها: تذکر: بازداشت موقت بموجب شماره ۸۲/۱۳۷۸ احکام که مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۲ صادره از قاضی ناظر زندان دادگستری کاله ذیل شماره بازداشتی ۱۵۷ در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۲ دفتر R ۱۷۰۹۰۰ صفحه ۸۶ صفحه ۱۲۷ کد محل وقوع R ۱۷۰۹۰۰ محدودیت دفتر املاک: مزاد اصل شماره ۲۰۴۵ و شماره سیستمی مورخ ۱۳۵۵/۰۵/۱۸ که بنفع

بازداشت ۰۰ ثبت شده تذکر: بازداشت موقت بموجب شماره ۸۲/۱۳۷۸ احکام ک مورخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۲ صادره از قاضی ناظر زندان دادگستری کاله ذیل شماره بازداشتی ۱۵۷ در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۲ دفتر R ۱۷۰۹۰۰ صفحه ۸۶ دفتر R ۱۷۰۹۰۰ کد محل وقوع R ۱۷۰۹۰۰ محدودیت دفتر املاک: مزاد اصل شماره ۲۰۴۵ و شماره سیستمی مورخ ۱۳۵۵/۰۵/۱۸ که بنفع بازداشت ۰۰ ثبت شده از این رو به استناد ماده ۱۲۰-آئین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ آگهی، اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه مدارک و مستندات به این اداره تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی: روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ رونوشت: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بهمن سارلی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۱۲۸۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۲۰۳۳۷۰۷۲۰۱۲۰۳۳۷۰۷ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاله تصرفات مالکانه بالامعارض متقاضی آقای / خانم هاجر چمن پیرا فرزند علی به شماره شناسنامه ۲۴۰ صادره از در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۱۳۳،۴۶ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۲۰۱-اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کاله انتقال ملک مع واسطه از مالک رسمی (رجب چرابین) محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادرخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۵/۰۷/۱۴ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کاله- م الف ۱۱۲۹۶



آگهی حراج عمومی

شهرداری گرگان با استناد به ماده ۲۹ آئین نامه معاملات شهرداری در نظر دارد

نسبت به اجاره واحدهای تجاری شهرداری گرگان از طریق حراج آنلاین (سامانه ستاد) بر مبنای پایه قیمت کارشناس رسمی دادگستری اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۲ به سایت اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

تلفن تماس: امور قراردادهای شهرداری ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

اداره املاک شهرداری ۰۱۷۳۲۲۴۳۸۸۰

مجید طاهری - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۲۲۹۲۸۸۹

چرا دیگر حوصله هیچ چیز را نداریم؟

منتظر انگیزه نمانید؛ از قدم‌های کوچک شروع کنید

فروزش یکتا درباره راهکارهای بازگشت تدریجی انرژی و انگیزه می‌گوید: در درمان افسردگی، وقتی بی‌انگیزگی یکی از علائم افسردگی باشد، تکنیکی داریم به نام فعال‌سازی رفتاری. در این روش به افراد آموزش می‌دهیم که اقدام‌هایشان باید قبل از انگیزه باشد. او توضیح می‌دهد: آدم افسرده ممکن است حتی انرژی انجام کارهای روزمره را نداشته باشد و آنها را به تعویق بیندازد و منتظر بماند تا حوصله‌اش بپاید؛ در حالی که آن حوصله ممکن است هیچ‌وقت نیاید. بنابراین باید کارها را بدون انتظار برای انگیزه و ذوق شروع کنیم؛ معمولاً انگیزه بعد از اقدام می‌آید، نه قبل از آن. فروزش یکتا برای توضیح این موضوع می‌گوید: مثلاً اگر مدت‌هاست سراغ پایان‌نامه‌ام نرفته‌ام، آن را به کارهای کوچک تقسیم می‌کنم؛ یک روز فقط یک پایان‌نامه داندلو می‌کنم، روز دیگر چند جست‌وجوی ساده انجام می‌دهم و دفعه بعد فقط یک عنوان می‌نویسم. همین قدم‌های کوچک انرژی لازم برای قدم بعدی را ایجاد می‌کند. او استفاده از بدن را نیز مهم می‌داند و می‌گوید: وقتی ذهن پر از افکار منفی است، شروع کردن از ذهن کار سختی است. اما می‌توان از بدن شروع کرد؛ مثلاً امروز فقط موهابم را شانه کنم یا چهار حرکت ساده کششی انجام بدهم. فعال کردن بدن می‌تواند کمک کند ذهن هم به دنبال آن فعال شود و از کسالت خارج شود. فروزش یکتا کمال‌گرایی را نیز یکی از موانع اقدام می‌داند: خیلی وقت‌ها آدم‌ها انجام یک کار را آن‌قدر بزرگ و سخت می‌کنند که باید کامل انجام شود و همین باعث می‌شود اصلاً انجامش ندهند. مهم نیست کار را کامل انجام بدهم؛ همین که کمی انجامش بدهم کافی است. مثلاً اگر قرار است آشپزخانه را مرتب کنم، امروز فقط قاشق‌ها را مرتب می‌کنم یا فقط تخت‌ها را مرتب می‌کنم. این روان‌شناس یکی دیگر از دلایل بی‌انگیزگی را مشخص نبودن اهداف می‌داند و می‌گوید: گاهی می‌گوییم می‌خواهم آدم موفق‌تری باشم یا چرا زندگی‌ام تکراری است، اما مشخص نیست دقیقاً چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم. او پیشنهاد می‌کند اهداف به کارهای کوچک و مشخص تبدیل شوند: «مثلاً اگر دوست داشتم کتاب بخوانم، برنامه‌ام این باشد که روزی فقط یک صفحه کتاب بخوانم. وقتی کار مشخص باشد، می‌توانیم از ذهن و افکار کلی به سمت اقدام واقعی برویم. فروزش یکتا حمایت اجتماعی را نیز مهم می‌داند و می‌گوید: «یکی از چیزهایی که می‌تواند به ما انگیزه بدهد، عزیزانمان هستند. روابط خانوادگی و دوستانه در سلامت روان بسیار مؤثرند. وقتی بی‌حوصله و بی‌انگیزه هستیم، ارتباط با یک دوست یا فردی امن می‌تواند به ما انرژی بدهد؛ زنگ زدن به یک نفر، نشستن کنار پدر و مادر، همسر یا یک دوست صمیمی برای سیستم روانی انسان مهم است. به گفته او، گاهی علت اصلی این حالات، روابط آسیب‌دیده یا روابط همراه با استرس مزمن است و اگر فرد به‌تنهایی از پس آن برنمی‌آید، می‌تواند از روان‌شناس یا مشاور کمک بگیرد. فروزش یکتا در پایان می‌گوید: احساس رضایت، شادمانی و خوشنودی در واقع یک چیز کاملاً درونی است. آدم‌هایی هستند که در شرایط بحرانی و استرس‌های مزمن توانسته‌اند حال خوب خودشان را حفظ کنند. او تأکید می‌کند: این بستگی دارد به ارزش‌های انسان، معنای زندگی، باورها و افکار واقع‌بینانه و نگاه درست به زندگی. اینها می‌تواند کمک کند خودمان را حفظ کنیم، در شرایط دشوار تاب بیاوریم و از این وضعیت عبور کنیم.



تجربه کنند، باید موضوعاتی در زندگی‌شان داشته باشند که وقتی مشغول آن می‌شوند، متوجه گذر زمان نشوند و در آن فعالیت غرق شوند. فروزش یکتا در عین حال می‌افزاید: اینکه افراد حوصله مطالب طولانی را ندارند، می‌تواند به دلیل تکنولوژی باشد. اگر می‌خواهیم یک آموزش ببینیم یا یک کتاب آموزشی خیلی طولانی را با حواشی مختلف مطالعه کنیم، می‌توانیم از تکنولوژی استفاده کنیم و با استفاده از هوش مصنوعی مطالب را خلاصه کنیم و به هدفمان برسیم؛ چون مهم، رسیدن به هدف و چیزی است که می‌خواهیم از آن مطالعه به دست بیاوریم.

وقتی هیچ چیز آدم را سر ذوق نمی‌آورد؛ اول باید مکث کرد

این روان‌درمانگر درباره اولین قدم برای کسی که احساس می‌کند دیگر هیچ کاری خوشحالش نمی‌کند، می‌گوید: کسی که احساس می‌کند دیگر هیچ چیز خوشحالش نمی‌کند یا هیچ چیز او را نمی‌تواند سر ذوق بیاورد، اول باید به خودش برای داشتن چنین احساسی فرصت بدهد؛ این احساس را مشاهده کند و به خودش اجازه بدهد آن را تجربه کند. او پیشنهاد می‌کند فرد از خودش بپرسد: من چه نیازی دارم که الان برآورده نشده است؟ چه اشتیاقی دارم که دوست داشتم داشته باشم، ولی ندارم که الان دچار این بی‌انگیزگی و بی‌حوصلگی شده‌ام؟ به گفته فروزش یکتا، ممکن است با همین تأمل، فرد به دلیل این وضعیت دست پیدا کند؛ شاید خستگی زیاد یا استرس‌های بلندمدت او را تحت تأثیر قرار داده باشد و به استراحت جسمی و روانی نیاز داشته باشد. شاید یک سفر کوتاه یا یک تفریح کوتاه بعد از ظهر با یک دوست صمیمی بتواند مقداری انرژی را به ما برگرداند. فروزش یکتا در عین حال تأکید می‌کند اگر این اقدامات کمکی نکرد، ممکن است لازم باشد فرد با یک متخصص روان‌شناسی مشورت کند و شرایط خود را مورد بررسی قرار دهد. او با اشاره دوباره به اهمیت تداوم این علائم می‌گوید: اگر بیش از دو هفته این حالت بی‌انگیزگی و بی‌لذتی به صورت مداوم و هر روز ادامه داشته باشد، آنجا جایی است که ما نگران حالت‌های افسردگی می‌شویم و حتماً باید با یک متخصص صحبت کنیم تا بررسی کنیم آیا این شرایط افسردگی هست یا نه و اگر باشد، اقدامات درمانی مناسب را انجام دهیم.

برطرف نمی‌شود که آنجا نیازمند بررسی و ارزیابی بیشتر است.

فشار اخبار و بمباران اطلاعات؛ وقتی ذهن فرصت آرام شدن ندارد

فروزش یکتا درباره نقش فشارهای روزمره، اخبار، نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی و قرار گرفتن مداوم در معرض اطلاعات در ایجاد بی‌حوصلگی می‌گوید: اخبار معمولاً چیزی است که جامعه ما با آن روبه‌روست؛ اخبار منفی، روزمره و مداوم. استرس، بلاکلیفی و بی‌خبری از اینکه چه اتفاقات بدی ممکن است خیلی زود برای انسان پیش بیاید و فشارهای اقتصادی، افراد را در یک استرس مداوم و مزمن قرار می‌دهد. او توضیح می‌دهد: وقتی بدن در حالت استرس مداوم قرار می‌گیرد، یک لوپ منفی در بدن شکل می‌گیرد. وقتی با یک استرس حاد مواجه می‌شویم، بدن در حالت بقا قرار می‌گیرد و می‌خواهد در وضعیت جنگ، گریز، فرار یا تسلیم شدن قرار بگیرد تا بتواند از خودش دفاع کند و دوام بیاورد. ممکن است ده یا پانزده دقیقه در این حالت باشیم و بعد بدن به حالت عادی برگردد، اما وقتی استرس مداوم و روزمره تکرار می‌شود، افزایش کورتیزول و هورمون‌های استرس باعث می‌شود به فرسودگی روانی برسیم. فروزش یکتا تأکید می‌کند: بدن به صورت مداوم در حالت هشدار قرار می‌گیرد؛ قلب مرتب بیش از اندازه کار می‌کند، تنفس سریع‌تر می‌شود و افزایش کورتیزول به سیستم ایمنی آسیب می‌زند. سیستم ایمنی ضعیف‌تر می‌شود، اندام‌های مختلف بدن تحت تأثیر قرار می‌گیرند و فرد در معرض اختلالات روان‌تنی قرار می‌گیرد. در این شرایط از نظر روحیه هم فرد تضعیف می‌شود و شرایط برایش سخت‌تر می‌شود. این روان‌شناس درباره نقش شبکه‌های اجتماعی و محتوای کوتاه نیز می‌گوید: اینکه استفاده از محتوای کوتاه باعث شود مغز حوصله فعالیت‌های بلندمدت نداشته باشد، بیشتر به علاقه و انگیزه فرد برمی‌گردد. کسی که به موضوعی علاقه‌مند باشد، مثلاً فیلمی را دوست داشته باشد، هرچقدر هم آن فیلم طولانی باشد می‌تواند تمرکزش را ادامه دهد و آن را تا آخر دنبال کند. یا کتابی را که در یک موضوع مورد علاقه‌اش است، هرچقدر طولانی باشد می‌تواند مطالعه کند و حتی متوجه گذر زمان نشود. او با اشاره به مفهوم «غرقگی» در روان‌شناسی ادامه می‌دهد: آدم‌ها برای اینکه حال خوبی را

یک فیلم را پلی می‌کنیم، چند دقیقه می‌گذرد و تلویزیون را خاموش می‌کنیم. کتابی را که مدت‌ها برای خواندنش ذوق داشتیم، برمی‌داریم اما حوصله چند صفحه‌اش را هم نداریم. پیام دوستی را می‌بینیم و به جای جواب دادن، گوشی را کنار می‌گذاریم. حتی گاهی برای دیدن آدم‌هایی که دوستان داریم هم انرژی کافی نداریم. بعد، یک جمله آشنا مدام تکرار می‌شود: «حوصله هیچ چیز را ندارم». به گزارش ایرنا زندگی، گاهی اسمش فقط خستگی است؛ چند روزی فشار کاری و فکری زیاد شده و بدن و ذهنمان استراحت می‌خواهد. اما گاهی ماجرا طولانی‌تر از این حرف‌هاست؛ روزها می‌گذرند و نه فیلم، نه کتاب، نه معاشرت و نه حتی کارهایی که قبلاً حالمان را خوب می‌کردند، نمی‌توانند ما را سر ذوق بیاورند. در میان اخبار منفی، نگرانی‌های اقتصادی و اجتماعی، فشارهای روزمره و بمباران مداوم اطلاعات، ذهن هم ممکن است فرصتی برای آرام گرفتن پیدا نکند. اما مرز میان یک بی‌حوصلگی طبیعی و وضعیتی که باید جدی‌تر گرفته شود کجاست؟ آیا باید منتظر بمانیم تا انگیزه خودش برگردد یا می‌توان با چند قدم کوچک دوباره حرکت را آغاز کرد؟ دکتر فاطمه فروزش یکتا، روان‌شناس، روان‌درمانگر و عضو هیئت علمی دانشگاه، از همین نقطه آغاز می‌کند؛ از اینکه بی‌حوصلگی همیشه نشانه یک مشکل روانی نیست، اما مدت و شدت آن می‌تواند زنگ هشدار برای توجه بیشتر به حال خودمان باشد.

بی‌حوصلگی؛ یک احساس طبیعی که باید مدت آن را جدی گرفت

دکتر فاطمه فروزش یکتا، روان‌شناس، روان‌درمانگر و عضو هیئت علمی دانشگاه، درباره اینکه چرا گاهی فرد حتی از فعالیت‌هایی که پیش‌تر برایش لذت‌بخش بوده‌اند، لذت نمی‌برد، می‌گوید: بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی می‌تواند در زمره هیجانات طبیعی انسانی شمرده شود. همه انسان‌ها هیجانات مختلفی را تجربه می‌کنند؛ همان‌طور که لذت، شوق، ذوق و احساس‌های خوشایند طبیعی هستند، احساس بی‌انگیزگی و بی‌حوصلگی نیز طبیعی محسوب می‌شود. او تأکید می‌کند: چیزی که این وضعیت را نگران‌کننده می‌کند، مدت زمان تجربه این هیجانات است؛ یعنی اگر این بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی به‌صورت مداوم، حداقل دو هفته پشت سر هم و روزانه ادامه داشته باشد، آن موقع ما نگران می‌شویم و این وضعیت نیاز به بررسی بیشتر دارد.

خستگی است یا نیاز به بررسی بیشتر؟

فروزش یکتا درباره اینکه چگونه می‌توان تشخیص داد بی‌حوصلگی ناشی از خستگی و نیاز به استراحت است یا می‌تواند نشانه بی‌انگیزگی و فرسودگی روانی باشد، توضیح می‌دهد: برای تشخیص اینکه این بی‌حوصلگی و بی‌انگیزگی چقدر طبیعی است، نیاز به استراحت را می‌توانیم برای خودمان تأمین کنیم؛ یعنی از این دنیای شلوغ و پراسترسی که درگیرش هستیم، فاصله بگیریم و یک فرصت استراحت کوتاه جسمی و ذهنی به خودمان بدهیم. او ادامه می‌دهد: مثلاً یک مراقبه کوتاه چند دقیقه‌ای، انجام ندادن هیچ کاری و صرفاً توجه به بودن در زمان حال، استراحتی است که به صورت ذهنی می‌توانیم به خودمان بدهیم. استراحت بدنی، خواب کافی و تغذیه مناسب هم می‌تواند کمک کند. این روان‌شناس اضافه می‌کند: اگر این حالت با استراحت برطرف شود، پس ما نیاز به استراحت داشتیم؛ ولی گاهی اوقات با استراحت هم این وضعیت